

مثنوی معنوی

مولانا جلال الدین مولوی

همراه با کشف الابیات و مزارع نامه

با مقدمه‌ای از

دکتر عبدالحسین زرین کوب

سرشناسه	مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد، ۶۷۲-۴۰۴ ق.
عنوان قرارداد	Mowlavi, Jalaloddin Mohammad ibn-e Mohammad, ۱۲۷۳-۱۲۰۷
عنوان و نام پدیدآور	مثنوی Masnavi
مشخصات نشر	مثنوی معنوی همراه با کشف‌الایات و واژه‌نامه/ جلال‌الدین مولوی؛ [تصحیح] رینولد نیکلسون؛ با مقدمه‌ای از عبدالحسین زرین‌کوب.
مشخصات ظاهری	تهران: گل بیتا، ۱۳۹۵.
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۷۵۸۳-۴۲-۸
وضعیت فهرست نویسی	فیا
موضوع	مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد، ۶۰۴ - ۶۷۴ ق. مثنوی -- کشف‌اللفات
موضوع	Mowlavi, Jahaoddin Mohammad ibn Mohammad, ۱۲۷۳-۱۲۰۷
موضوع	Masnavi -- Concordance
موضوع	شعر فارسی -- قرن ۷ ق.
موضوع	th century ۱۳ Persian poetry --
شناسه افزوده	نیکلسون، رنولد الین، ۱۸۶۸ - ۱۹۴۵ م، مصحح
شناسه افزوده	Nicholson, Reynold Alleyne
شناسه افزوده	نیکلسون، عبدالحسین، ۱۳۰۱ - ۱۳۷۸
شناسه افزوده	Zarrinkub, Abd-ul Hossein
رده‌بندی کنگره	چ ۱۳۹۵ PIP
رده‌بندی دیویی	۱۱۵۱
شماره کتابشناسی ملی	۴۵۳ ۴۰۹

انتشارات گل بیتا

مثنوی معنوی

مولانا جلال‌الدین محمد مولوی

رینولد نیکلسون

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۵

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۵۸۳-۴۲-۸

مرکزپخش: تهران، خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، کوچه نوروژ، پلاک ۱

تلفن: ۶۶۴۹۹۱۵۴ همراه: ۰۹۱۲۳۸۶۱۹۰۶

۴۰۰۰۰ تومان

فهرست مندرجات

۴۱	دفتر اول
۴۶	حکایت : عشق شن پادشاهی بر کنیزکی و خریدن پادشاه، کنیزک را
۴۷	ظاهر شدن جز حکیمان از معالجه کنیزک بر پادشاه و روی
۴۸	از خداوند ولی التوفیق خواستن توفیق، رعایت ادب در همه
۴۸	ملاقات پادشاه آن طبعی بهی که در خوابش بشارت داده بودند
۴۸	بردن پادشاه آن طبعی را بر سر او تا حال او را ببیند
۵۰	خلوت طلبیدن آن ولی از پادشاه با کنیزک، جهت در یافتن رنج کنیزک
۵۱	در یافتن آن ولی رنج را و عرض کردن رنج را پیش پادشاه
۵۱	فرستادن پادشاه رسولان به سمرقند، آوردن آن گاو
۵۳	بیان آن که کشتن و زهر دادن مرد زرگر به سارت اله بود
۵۴	حکایت بقال و طوطی، و روغن ریخته طوطی در دهن
۵۶	داستان آن پادشاه جهود که نصرانیان را می کشت از بر تعصبات
۵۷	آموختن وزیر مکر، پادشاه را
۵۷	تلبیس وزیر، با نصارا
۵۸	قبول کردن نصارا، مکر وزیر را
۵۸	متابعت نصارا، وزیر را
۵۹	قصه دیدن خلیفه، لیلی را
۶۰	بیان حسد وزیر
۶۰	فهم کردن حاذقان نصارا مکر وزیر را
۶۱	پیغام شاه، پنهان مر وزیر را
۶۱	بیان دوازده سبط از نصارا
۶۱	تخلیط وزیر، در احکام انجیل
۶۲	بیان آن که این اختلافات در صورت روش است، نئی در حقیقت راه
۶۳	بیان خسارت وزیر در این مکر

- ۶۴ مکر دیگر انگیختن وزیر در اضلال قوم
- ۶۵ دفع گفتن وزیر، مریدان را
- ۶۵ مکرز کردن مریدان که خلوت را بشکن
- ۶۶ جواب گفتن وزیر که خلوت را نمی شکم
- ۶۶ اعتراض مریدان، در خلوت وزیر
- ۶۸ نوید کردن وزیر، مریدان را از رَفُضِ خلوت
- ۶۸ ولی عهد ساختن وزیر هریک امیر را جدا جدا
- ۶۸ کشتن وزیر، خویشان را در خلوت
- ۶۹ طلب کردن آت عیسی علیه السلام از امرا که: ولیعهد از شما کدام است؟
- ۷۰ منازعه امرا در ولی عهدی
- ۷۱ تعظیم نیک معنی علیه السلام که مذکور بود در انجیل
- ۷۱ حکایت پادشاه جهود دیگر که در هلاک دین عیسی سعی نمود
- ۷۲ حکایت پادشاه جهود دیگر که در هلاک دین عیسی سعی می نمود
- ۷۳ به سخن آمدن طفل در میان شاه و غریض کردن خلق را در افتادن به آتش
- ۷۴ کج ماندن دهان آن مرد که نام سحمد به السلام به تشخر خواند
- ۷۴ عتاب کردن آتش راه آن پادشاه جهود
- ۷۵ قصه باد که در عهد هود علیه السلام قوم عاص را سوزانید
- ۷۶ طنز و انکار کردن پادشاه جهود و قبول نکردن تسمیحت خاضع خویش
- ۷۷ بیان توکل و ترک جهد گفتن نخچیران به شیر
- ۷۷ جواب گفتن شیر، نخچیران را، و فایده جهد گفتن
- ۷۷ ترجیح نهادن نخچیران، توکل را بر جهد و اکتساب
- ۷۷ ترجیح نهادن شیر جهد و اکتساب را بر توکل و تسلیم
- ۷۷ ترجیح نهادن نخچیران، توکل را بر اجتهاد
- ۷۸ باز ترجیح نهادن شیر، جهد را بر توکل
- ۷۹ باز ترجیح نهادن نخچیران، توکل را بر جهد
- ۷۹ نگرستن عزراییل بر مردی، و گریختن آن مرد در سرای سلیمان
- ۸۰ باز ترجیح نهادن شیر، جهد را بر توکل و فواید جهد را بیان کردن
- ۸۰ مقرر شدن ترجیح جهد، بر توکل
- ۸۱ انکار کردن نخچیران، بر خرگوش در تأخیر رفتن بر شیر
- ۸۱ جواب، گفتن خرگوش، نخچیران را
- ۸۱ اعتراض نخچیران بر سخن خرگوش

- جواب خرگوش نخچیران را ۸۱
- ذکر دانش خرگوش و بیان فضیلت و منافع دانستن ۸۲
- بازطلبیدن نخچیران از خرگوش سراندیشه او را ۸۲
- منع کردن خرگوش، راز را از ایشان ۸۲
- قصه مکر خرگوش ۸۳
- زیافت تاویل مگس ۸۴
- تولیدن شیر از دیر آمدن خرگوش ۸۴
- هم در بی مکر خرگوش ۸۵
- رسیدن خرگوش به شیر و خشم شیر بر وی ۸۶
- عذر گفتن خرگوش ۸۶
- جواب گفتن شیر خرگوش را، و روان شدن با او ۸۷
- قصه هدهد و سلیمان در بیان آن که چون قضا آید چشم‌های روشن، بسته شود ۸۸
- طعنه زاغ، در دعوی هدهد ۸۹
- جواب گفتن هدهد، طعنه زاغ را ۸۹
- قصه آدم علیه‌السلام و بستن قضا، نظر او را، و عاقبت صریح نهی و ترک تاویل ۸۹
- پای واپس کشیدن خرگوش از شیر، چون نزدیک رسید ۹۰
- پرسیدن شیر، از سبب پای واپس کشیدن خرگوش ۹۱
- نظر کردن شیر، در چاه و دیدن عکس خود را و آن خرگوش را بر آب ۹۲
- مژده بردن خرگوش سوی نخچیران که شیر در چاه افتاد ۹۳
- جمع شدن نخچیران، گرد خرگوش و ثنا گفتن، او را ۹۴
- پند دادن خرگوش نخچیران را که بدین شاد مشوید ۹۴
- تفسیر رجفنا من الجهاد الأصغر إلى الجهاد الأكبر ۹۴
- آمدن رسول روم تا امیرالمومنین (رضی الله عنه) و دیدن او، کرامات عمر (رضی الله عنه) ۹۵
- یافتن رسول روم امیرالمومنین عمر رضی الله عنه، خفته در زیر نخل ۹۶
- سلام کردن رسول روم، امیرالمومنین را (رضی الله عنه) ۹۶
- سؤال کردن رسول روم، از امیرالمومنین (رضی الله عنه) ۹۷
- اضافت کردن آدم آن زلت را به خویشتن که زینا ظلمنا و اضاقت ۹۸
- تفسیر وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَمَا كُنْتُمْ ۹۹
- سؤال کردن رسول روم از عمر (رضی الله عنه) از سبب ابتلای ۹۹
- ارواح با این آب و گِل اجساد ۹۹
- در بیان آن که مَنْ ارَادَ أَنْ يَجْلِسَ مَعَ اللَّهِ فَلْيَجْلِسْ مَعَ أَهْلِ التَّصَوُّفِ ۱۰۰

- ۱۰۰ قصه بازرگان که طوطی محبوبش او، او را پیغام داد به طوطیان
- ۱۰۱ صَفِّ أَجْنَحِهِ طُيُورٌ عَقُولُ الْهَى
- ۱۰۲ دیدن خواجه، طوطیان هندوستان را در دشت، و پیغام رسانیدن از آن طوطی
- ۱۰۳ تفسیر قول فریدالدین عطار (قُدَّسَ اللَّهُ سِرَّهُ):
- ۱۰۳ تعظیم ساحران، موسی را (علیه السلام) که چه فرمایی؟ اول تو
- ۱۰۴ باز گفتن بازرگان، با طوطی آنچه دید از طوطیان هندوستان
- ۱۰۶ شنیدن آن طوطی، حرکت آن طوطیان، و مردن آن طوطی در قفس و نوحه خواجه بر وی
- ۱۰۸ تفسیر قصه حکیم
- ۱۱۰ رجوع به حکایت خواجه تاجر
- ۱۱۰ برون انداختن مرد تاجر، طوطی را از قفس و پریدن طوطی مرده
- ۱۱۱ وداع کردن طوطی، خواجه را و پریدن او
- ۱۱۱ مضرت تعظیم خلوت نکشتن بر مرد شدن
- ۱۱۲ تفسیر ماشاء الله کان
- ۱۱۳ داستان پیر چنگی که در عهد عمر (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ) از بهر خدا روز بی‌نوايي،
- ۱۱۵ در بیان این حدیث که إِنَّ لِرَبِّكُمْ فِي أُمِّكُمْ دَمْرُكَةً نَحَاتِ
- ۱۱۷ قصه سؤال کردن عایشه (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا) از مصطفی علیه السلام
- ۱۱۸ تفسیر بیت حکیم:
- ۱۱۸ در معنی این حدیث که اِغْتَمُوا بِرَّ ذَٰلِ الرَّبِّعِ إِلَى آخِرِهِ
- ۱۱۹ پرسیدن صدیقه (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا) از مصطفی (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ)
- ۱۱۹ بقیه قصه پیر چنگی و بیان مخلص آن
- ۱۲۰ در خواب گفتن هاتم مر عمر (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ) را که چندین زراز
- ۱۲۱ نالیدن ستون حنانه چون برای پیغامبر علیه السلام منبر ساختند
- ۱۲۲ اظهار معجزه پیغامبر (علیه السلام) به سخن آمدن سنگ ریزه در
- ۱۲۳ بقیه قصه مطرب و پیغام رسانیدن امیرالمومنین عمر (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ)
- ۱۲۴ گردانیدن عمر (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ) نظر او را از مقام گریه که هستی
- ۱۲۵ تفسیر دعای آن دو فرشته که هر روز بر سر هر بازاری مَنَادی
- ۱۲۶ قصه خلیفه که در کرم در زمان خود از حاتم طایی گذشته بود و
- ۱۲۶ قصه اعرابی درویش و ماجرای زن با او به سبب قلت و درویشی
- ۱۲۶ مغرور شدن مریدان محتاج به مدعیان مُزَوَّر و ایشان را شیخ و
- ۱۲۷ در بیان آن که نادر افتد که مریدی در مدعی مُزَوَّر اعتقاد به صدق
- ۱۲۷ صبر فرمودن اعرابی زن را و فضیلت صبر و فقر بیان کردن با زن خود

- ۱۲۸ نصیحت کردن زن، مر شوی را که سخن افزون از قدم و از مقام
- ۱۲۹ نصیحت کردن مرد مر زن را که در فقیران به خواری منگر و در کار
- ۱۳۰ در بیان آن که جنبیدن هر کسی از آنجا که وی است هر کس را از
- ۱۳۱ مراعات کردن زن، شوهر را و استغفار کردن از گفته خویش
- ۱۳۳ در بیان این خبر که إِنَّهُمْ يَغْلِبُنِ الْعَاقِلُ و
- ۱۳۳ تسلیم کردن مرد، خود را به آنچه التماس زن بود از طلب معیشت
- ۱۳۳ در بیان آن که موسی و فرعون هر دو مُسَخَّرِ مشیت‌اند چنانکه
- ۱۳۵ سبب حسان اشیا از دو جهان که خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ
- ۱۳۶ حق رب و بصرم دیدن دیده‌های حس، صالح و ناقه صالح را، چون
- ۱۳۸ در معنی آن که مَرَّتْ "خَزِينٌ نَلْتَقِيَانِ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ
- ۱۳۹ در معنی آن که بچه و لب مسدود، مرید را نشاید گستاخی کردن و
- ۱۳۹ مَخْلُصٌ ماجرای عرب و جناب او
- ۱۴۰ دل نهادن عرب بر التماس دلب خویش سوگند خوردن که در
- ۱۴۲ تعیین کردن زن، طریق طلب زمین، کنش را و قبول کردن او
- ۱۴۲ هدیه بردن عرب، سیوی آب باران از بیان بی‌سای بغداد
- ۱۴۳ در نمد دوختن زن عرب، سیوی آب باران را و مذهب را و غایت اعتقاد عرب
- ۱۴۴ در بیان آن که چنانکه گدا عاشق کرم است و عاشق کریم، کرم
- ۱۴۴ فرق میان آن که درویش است به خدا و تشنه خدا و میان آن که
- ۱۴۵ پیش آمدن نقیبان و دربانان خلیفه از بهر اکرام اعرابی و پذیرفتن
- ۱۴۶ در بیان آن که عاشق دنیا بر مثال عاشق دیواری است که براو تاب
- ۱۴۶ مَثَلُ عَرَبٍ: إِذَا رَزِيَتْ فَازَتْ بِالْحَزَّةِ وَإِذَا سُرِقَتْ فَاسْرَقَ الدُّرَّةُ
- ۱۴۷ سپردن عرب هدیه را یعنی سوار به غلامان خلیفه
- ۱۴۸ حکایت ماجرای نحوی و کشتیبان
- ۱۴۸ قبول کردن خلیفه، هدیه را و عطا فرمودن با کمال بی‌نیازی از آه
- ۱۵۱ در صفت پیر و مطاوعت وی
- ۱۵۲ وصیت کردن رسول علی علیه السلام را کَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ که چون
- ۱۵۳ کبودی زدن قروینی بر شانگاه، صورت شیر و پشیمان شدن او به سبب زخم سوزن
- ۱۵۴ رفتن گرگ و روباه در خدمت شیر به شکار
- ۱۵۵ امتحان کردن شیر، گرگ را و گفتن که پیش آی ای گرگ، بخش کن صیدها را میان ما
- ۱۵۵ قصه آنکس که در یاری بکوفت، از درون گفت: کیست؟ گفت: منم
- ۱۵۶ صفت توحید

- ۱۵۷ ادب کردن شیر، گرگ را که در قسمت، بی ادبی کرده بود
- ۱۵۸ تهدید کردن نوح علیه السلام مر، قوم را که با من مپیچید که من
- ۱۵۹ نشاندن پادشاهان، صوفیان عارف را پیش روی خویش، تا چشمشان بدیشان روشن شود
- ۱۵۹ آمدن مهمان، پیش یوسف (علیه السلام) و تقاضا کردن یوسف از او، تحفه و ارمغان
- ۱۶۰ گفتن مهمان، یوسف را که آینه آورد مت ارمغان، تا هر باری که در
- ۱۶۱ مرتد شدن کاتب وحی به سبب آن که پرتو وحی بر او زد، آن آیت را
- ۱۶۴ دعا کردن بلعم باعور که موسی و قومش را از این شهر که حصار
- ۱۶۵ اعتماد کردن هاروت و ماروت بر عصمت خویش و آمیزی اهل دنیا
- ۱۶۵ باقی روت و ماروت و نکال و عقوبت ایشان هم در دنیا به چاه بابل
- ۱۶۶ به عبادت رفتن کز به سایه رنجور خویش
- ۱۶۷ اول کسی که در مابله نضاحیاس آورد ابلیس بود
- ۱۶۸ در بیان آن که حال حیرت و حیرت و پنهان باید داشت از جاهلان
- ۱۷۰ قصه مری کردن رومیان و جینان در مقام نقاشی و صورتگری
- ۱۷۱ پرسیدن پیغامبر (علیه السلام) مر را: امین چونی؟ و چون
- ۱۷۴ متهم کردن غلامان و خواجه تاشان مر لقمان را، آن میوه های
- ۱۷۴ بقیه قصه زید در جواب رسول علیه السلام
- ۱۷۶ گفتن پیغامبر علیه السلام مر زید را که این سیرافان مر از این
- ۱۷۷ رجوع به حکایت زید
- ۱۷۸ آتش افتادن در شهر به ایام عمر (رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُ)
- ۱۷۸ خدو انداختن خصم در روی امیرالمؤمنین علی (كَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ)
- ۱۸۰ سؤال کردن آن کافر از علی (كَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ) که بر چون منی مظفر
- ۱۸۱ جواب گفتن امیرالمؤمنین که سبب افکندن شمشیر از دست چه بود در آن وقت
- ۱۸۳ گفتن پیغامبر (علیه السلام) به گوش رکابدار امیرالمؤمنین علی
- ۱۸۴ تعجب کردن آدم (علیه السلام) از ضلالت ابلیس لعین و عجب آوردن
- ۱۸۵ باز گشتن به حکایت امیرالمؤمنین علی (كَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ) و مسامحه
- ۱۸۶ آمدن رکابدار علی (كَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ) که از بهر خدا مرا بکش و از این قضا بزرهان
- ۱۸۶ بیان آن که فتح طلبیدن پیغامبر علیه السلام مکه را و غیر مکه را
- ۱۸۷ گفتن امیرالمؤمنین علی (كَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ) باقرین خود که چون خدو
- ۱۸۸ خاتمه دفتر اول
- ۱۸۹ دفتر دوم
- ۱۹۶ هلال پنداشتن آن شخص، خیال را در عهد عمر (رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُ)

- ۱۹۷ دزدیدن مارگیر، ماری را از مارگیر دیگر.
- ۱۹۷ التماس کردن همراه عیسی (علیه السلام) زنده کردن استخوان ها را از عیسی (علیه السلام).
- ۱۹۸ اندرز کردن صوفی، خادم را در تیمار داشت بهیمه، و لاخول گفتن خادم.
- ۱۹۹ بسته شدن تقریر معنی حکایت به سبب میل مستمع به استماع ظاهر صورت حکایت.
- ۲۰۰ گمان بردن کاروانیان که بهیمه صوفی رنجورست.
- ۲۰۴ یافتن پادشاه، باز را به خانه کمپیر زن.
- ۲۰۵ حلوا خریدن شیخ احمد خضرویه (قدس الله سرّه العزیز) جهت.
- ۲۰۸ ترسانیدن شخصی زاهد را که کم گری تا کور نشوی.
- ۲۰۸ تمام نصّه شده شدن استخوان ها به دعای عیسی علیه السلام.
- ۲۱۰ خاریدن روستایی در تاریکی، شیر را به ظن آن که گاو اوست.
- ۲۱۰ فروختن صوفیای بهیمه، فرد را جهت سماع.
- ۲۱۲ تعریف کردن منادین خاص کسی را گرد شهر.
- ۲۱۳ شکایت کردن اهل زندان، پیش کیلی قاضی از دست آن مفلس.
- ۲۱۹ ملامت کردن مردم، شخصی را که مارش انگشت به تهمت.
- ۲۲۱ امتحان پادشاه به آن دو غلام که نو خریده بودند.
- ۲۲۲ به راه کردن شاه یکی را از آن دو غلام، و از این دیگر بسیار.
- ۲۲۳ قسم غلام در صدق و وفای یار خود از طهارت ظن خود.
- ۲۲۸ حسد کردن خشم، بر غلام خاص.
- ۲۳۳ کلوخ انداختن تشنه از سر دیوار، در جوی آب.
- ۲۳۴ فرمودن والی آن مرد را که این خازین را که نشانده ای بر سر راه، بزن.
- ۲۳۵ آفت تأخیر خیرات به فردا.
- ۲۳۹ آمدن دوستان به بیمارستان، جهت ذالتون (قدس الله سرّه العزیز).
- ۲۴۰ فهم کردن مریدان که ذالتون دیوانه نشده است، قاصد کرده است.
- ۲۴۱ رجوع به حکایت ذالتون (قدس الله روحه).
- ۲۴۲ امتحان کردن خواجه لقمان، زیرکی لقمان را.
- ۲۴۳ ظاهر شدن فضل و زیرکی لقمان، پیش امتحان کنندگان.
- ۲۴۵ تتمه حسد آن خشم بر آن غلام خاص (سلطان).
- ۲۴۶ عکس تعظیم پیغام سلیمان علیه السلام در دل بلقیس از صورت حقیر هدهد.
- ۲۴۷ انکار فلسفی بر قرائت این أصبح ماؤکم غوراً.
- ۲۵۰ انکار کردن موسی (علیه السلام) بر مناجات شبان.
- ۲۵۱ عتاب کردن حق تعالی با موسی علیه السلام از بهر شبان.

- ۲۵۲ وحی آمدن، موسی را علیه السلام در عذر آن شبان
- ۲۵۴ پرسیدن موسی (علیه السلام) از حق تعالی سبّ غلبه ظالمان
- ۲۵۶ رنجاندن امیری خفته‌ای را که مار در دهانش رفته بود
- ۲۵۷ اعتماد کردن بر تملّق و وفای خرس
- ۲۵۹ گفتن نابینایی سائل که دو کوری دارم
- ۲۶۰ تتمه حکایت خرس و آن ابله که بر وفای او اعتماد کرده بود
- ۲۶۱ گفتن موسی (علیه السلام) گوساله پرست را که آن خیال اندیشی و خزم تو کجاست؟
- ۲۶۲ ترک گفتن آن مرد ناصح، بعد از مبالغه پند، مغرور خرس را
- ۲۶۳ تمّت بردن دیوانه جالینوس را، و ترسیدن جالینوس
- ۲۶۳ سبب پریدن مرغی را، غی که جنس او نبود
- ۲۶۴ تتمه اعتماد آن مغرور، بر حق خرس
- ۲۶۵ رفتن مصطفی (ع) به ادب صحابی رنجور و بیان فایده عیادت
- ۲۶۵ وحی کردن حق تعالی به موسی (علیه السلام) که چرا به عیادت من نیامدی؟
- ۲۶۶ تنها کردن باغبان، صوفی و قصه و صوفی الهام دیگر
- ۲۶۷ رجعت به قصه مریض و عیادت پیغامبر صلی الله علیه و سلم
- ۲۶۷ گفتن شیخی آبیازید را که کعبه منم، گریس طواف می کن
- ۲۶۹ دانستن پیغامبر صلی الله علیه و سلم که سبب رنجوری آن
- ۲۷۱ عذر گرفتن دلّک با سید که چرا فاحشه را نکاح کرد
- ۲۷۲ به حیلّت در سخن آوردن سائل، آن بزرگ را که خود را دیوانه ساخت
- ۲۷۲ حمله بُردن سگ، بر کور گدا
- ۲۷۳ خواندن مختسب، مست خراب افتاده را به زندان
- ۲۷۴ دوم بار در سخن کشیدن سائل آن بزرگ را، تا حال او معلوم تر گردد
- ۲۷۶ تتمه نصیحت رسول صلی الله علیه و سلم بیمار را
- ۲۷۹ وصیت کردن پیغامبر صلی الله علیه و سلم مر آن بیمار را و دعا آموزیدنش
- ۲۸۱ بیدار کردن ابلیس، معاویه را که، خیز، وقت نماز است
- ۲۸۱ از خر فگندن ابلیس، معاویه را، و روپوش و بهانه کردن و جواب
- ۲۸۱ گفتن معاویه، او را
- ۲۸۱ باز جواب گفتن ابلیس معاویه را
- ۲۸۲ باز تقریر کردن معاویه با ابلیس، مکر او را
- ۲۸۳ باز جواب گفتن ابلیس، معاویه را
- ۲۸۴ عطف کردن معاویه با ابلیس

- ۲۸۴ نالیدن معاویه به حضرت حق تعالی از ابلیس، و نصرت خواستن
- ۲۸۵ باز تقریر ابلیس، تلبیس خود را.
- ۲۸۵ باز الحاح کردن معاویه، ابلیس را.
- ۲۸۶ شکایت قاضی از آفت قضا، و جواب گفتن نایب، او را.
- ۲۸۶ به اقرار آوردن معاویه، ابلیس را.
- ۲۸۶ راست گفتن ابلیس، ضمیر خود را به معاویه.
- ۲۸۷ فضیلت حسرت خوردن آن مخلص، بر فوٹ نماز جماعت
- ۲۸۷ تتمه اقرار ابلیس، معاویه، مکر خود را.
- ۲۸۸ فوٹ شدن مرد به آواز دادن آن شخص، صاحب خانه را، که
- ۲۸۸ نزدیک آمده بود که در را در یابد و بگیرد.
- ۲۸۹ قصه منافقان و سجد ضحی ساختن ایشان
- ۲۹۰ فریفتن منافقان، پیر ابلیس، آه علیه و سلم تا به مسجد.
- ۲۹۱ اندیشیدن یکی از صحابه، رضی الله عنه، به انکار که رسول صلی
- ۲۹۲ قصه آن شخص که اشتر ضاله خودی خور می پرسید.
- ۲۹۲ متردد شدن در میان مذهب های مخاف و مخلص شدن یافتن
- ۲۹۳ امتحان هر چیزی، تا ظاهر شود خیر و شری که در او است.
- ۲۹۴ شرح فایده حکایت آن شخص شتر جوینده.
- ۲۹۵ بیان آن که در هر نفسی فتنه مسجد ضار است.
- ۲۹۶ حکایت هندو که با یار خود، جنگ می کرد بر کاری و خبر ندانست که
- ۲۹۷ قصد کردن غزان به کشتن یک مردی، تا آن دگر بترسد.
- ۲۹۷ بیان حال خود پرستان و ناشکران در نعمت وجود انبیا و اولیا علیهم السلام.
- ۲۹۸ شکایت گفتن پیر مردی به طیب از رنجوری ها و جواب گفتن طیب او را.
- ۲۹۹ قصه جوحی، و آن کودک که پیش جنازه پدر خویش، نوحه می کرد.
- ۳۰۰ ترسیدن کودک از آن شخص صاحب جثه و گفتن آن شخص که:
- ۳۰۱ قصه تیراندازی و ترسیدن او از سواری که در بیشه می رفت.
- ۳۰۱ قصه اعرابی و ریگ در جوال کردن، و ملامت کردن آن فیلسوف، او را.
- ۳۰۲ کرامات ابراهیم ادهم، (قدس الله روحه العزیز) برب دریا.
- ۳۰۳ آغاز منور شدن عارف به نور غیب بین.
- ۳۰۵ طعنه زدن بیگانه ای در شیخ و جواب گفتن مرید شیخ، او را.
- ۳۰۷ بقیه قصه ابراهیم (قدس الله روحه) برب آن دریا.
- ۳۰۸ دعوی کردن آن شخص که: خدای تعالی مرا نمی گیرد به گناه، و جواب گفتن شعیب، او را.

- بقیة قصه طعنه زدن آن مرد بیگانه، در شیخ ۳۰۹
- گفتن عایشه (رضی الله عنها) مُصطفی علیه السلام را که: تو ۳۱۰
- کشیدن موش، مهار شتر را و مُعْجَب شدن موش، در خود ۳۱۰
- کرامات آن درویش که در کشتی مُتْهَمِس کردند ۳۱۲
- تشنّیع صوفیان بر آن صوفی که پیش شیخ، بسیار می گوید ۳۱۳
- عذر گفتن فقیر به شیخ ۳۱۳
- بیان دعوی که عین آن دعوی، گواه صدق خویش است ۳۱۵
- سجده زدن یحیی (علیه السلام) در شکم مادر، مسیح (علیه السلام) را ۳۱۶
- اشکال آوردن بر این قصه ۳۱۶
- جواب آن حال ۳۱۶
- سخن گفتن به زان حال، فراموش کردن آن ۳۱۷
- پذیرا آمدن سخنی اهل در داغ اعلان ۳۱۷
- جُستنی آن درخت که مرکب میوه آن درخت خورد نمیرد ۳۱۷
- شرح کردن شیخ ستر آن درخت را با آن طالب مقلد ۳۱۸
- مناعت چهار کس جهت انگور که هر یکی، نام یگر فهم کرده بود آن را ۳۱۹
- برخاستن مخالفت و عداوت از میان انصار بر کات سولی الله علیه و سلّم ۳۲۰
- قصه بط بیگان که مرغ خانگی، پروردشان ۳۲۲
- حیران شدن حاجیان در کرامات آن زاهد که در بادیه تنهانش افتند ۳۲۲
- دفتر سوم ۳۲۵
- قصه خوردگان پیل بچه از حرص و ترک نصیحت ناصح ۳۳۱
- بقیة قصه متعزّضان پیل بیگان ۳۳۲
- بازگشتن به حکایت پیل ۳۳۳
- بیان آن که خطای محبتان بهتر از صواب بیگانگان است نزد محبوب ۳۳۴
- امر حق تعالی به موسی علیه السلام که مرا به دهانی خوان که بدان دهان گناه نکرده ای ۳۳۵
- بیان آن که «الله گفتن» نیازمند عین «لیبیک گفتن» حق است ۳۳۵
- فریفتن روستایی، شهری را و به دعوت خواندن به لابه و الحاح بسیار ۳۳۷
- قصه اهل سبا و طاغی کردن نعمت، ایشان را ۳۳۸
- جمع آمدن اهل آفت، هر صباحی بر در صومعه عیسی علیه السلام جهت طلب شفا ۳۳۹
- باقی قصه اهل سبا ۳۴۱
- بقیة داستان رفتن خواجه به دعوت روستایی، سوی دیه ۳۴۳

- ۳۴۳ دعوت باز، بطن را از آب به صحرا
- ۳۴۵ قصه اهل ضرّوان و حیلت کردن ایشان، تابی زحمت درویشان، باغها را قطف کنند
- ۳۴۶ روان شدن خواجه به سوی ده
- ۳۴۷ رفتن خواجه و قومش به سوی دیه
- ۳۴۸ نواختن مجنون، آن سگ را که مقیم کوی لیلی بود
- ۳۴۹ رسیدن خواجه و قومش به ده و نادیده و ناشناخته آوردن روستایی ایشان را
- ۳۵۳ افتادن شغال در خم رنگ و رنگین شدن و دعوی طاووسی کردن میان شغالان
- ۳۵۴ چرب کردن مرد لافی، لب و سبلیت خود را هر بامداد به پوست دنبه
- ۳۵۴ ایستادن بودن جمیع باغیان که امتحان ها کرد حضرت، او را و از آن ها
- ۳۵۵ دعوی طاووسی کردن آن شغال که در خم صیباغ افتاد
- ۳۵۵ تشبیه فرعون، دعوی الیبت او بدان شغال که دعوی طاووسی می کرد
- ۳۵۶ تفسیر «وَلْتَعْرِفْنَهُمْ مِنْ لَحْنِ الْحَوْرِ»
- ۳۵۶ قصه هاروت و ماروت و داری شدن با ابرحان حق تعالی
- ۳۵۷ قصه خواب دیدن فرعون، آمدن موسی علیه السلام را و تدارک اندیشیدن
- ۳۵۸ به میدان خواندن بنی اسرائیل را برای حیدر معنی ولادت موسی علیه السلام
- ۳۵۹ بازگشتن فرعون از میدان به شهر، شاد به سریق بنی اسرائیل از زنانشان در شب حمل
- ۳۵۹ جمع آمدن عمران با مادر موسی و حامله شدن مادر موسی علیه السلام
- ۳۵۹ وصیت کردن عمران، جفت خود را بعد از مُجامعت که برانداخت، باشد
- ۳۶۰ ترسیدن فرعون از آن بانگ
- ۳۶۰ پیدا شدن ستاره موسی علیه السلام بر آسمان و غریب منجمان در میدان
- ۳۶۱ خواندن فرعون، زنان نوزاده را سوی میدان هم جهت مکر
- ۳۶۲ به وجود آمدن موسی و آمدن عوانان به خانه عمران و وحی آمدن
- ۳۶۲ وحی آمدن به مادر موسی که موسی را در آب افکن
- ۳۶۳ حکایت مارگیر که از دَهاهی فسرده را مُرده پنداشت و در
- ۳۶۳ ریسمان هاش پیچید و آورد به بغداد
- ۳۶۶ تهدید کردن فرعون، موسی علیه السلام را
- ۳۶۶ جواب موسی فرعون را در تهدیدی که می کردش
- ۳۶۶ پاسخ فرعون، موسی علیه السلام را
- ۳۶۶ جواب موسی علیه السلام فرعون را
- ۳۶۷ جواب فرعون، موسی را و وحی آمدن موسی علیه السلام را
- ۳۶۷ مهلت دادن موسی علیه السلام فرعون را تا ساحران را جمع کند از مداین

- فرستادنِ فرعون به مداین در طلبِ ساحران ۳۶۹
- خواندنِ آن دو ساحر، پدر را از گور، و پرسیدن از روانِ پدر، ۳۷۰
- حقیقتِ موسی علیه السلام را ۳۷۰
- جوابِ گفتنیِ ساحرِ مُرده با فرزندانِ خود ۳۷۰
- تشبیه کردنِ قرآنِ مجید را به عصای موسی و وفاتِ مصطفی علیه السلام ۳۷۱
- به آن دو ساحر بچه که قصدِ بردنِ عصا کردند چون موسی را خفته یافتند ۳۷۱
- جمع آمدنِ ساحران از مداین، پیشِ فرعون و تشریف‌ها یافتن و ۳۷۲
- دست بر سینه زدن در قهرِ خصمِ او که این برما نویس ۳۷۲
- اختلاف کردن در چگونگی و شکلِ پیل ۳۷۳
- توفیقِ بیانِ این دو حدیث که: الرِّضَا بِالْكَفْرِ كَفْرٌ وَ حَدِيثٌ دِيْغَر: ۳۷۶
- مَنْ لَمْ يَرْسُقْ يَنْفَسِي فَلَيْسَ بِمُؤْمِنٍ وَ تَأْسُوَانِي ۳۷۶
- مَثَل در بیانِ آن که حرّت، مانعِ بحث و فکر است ۳۷۷
- داستانِ مشغول شدنِ سقّی به شوقِ ناله خواندن و مطالعه ۳۷۸
- کردنِ عشق‌نامه در حضورِ سبّو ویش، و معشوقِ آن را ۳۷۸
- ناپسند داشتنِ که طَلَبُ الدَّلِيلِ عِنْدَ خُضِرِ الْمَدْوَلِ قَبِيحٌ وَ الْاِسْتِغَالُ ۳۷۸
- بِالْعِلْمِ بَعْدَ الْوُصُولِ اِلَى الْمَعْلُومِ مَذْمُومٌ ۳۷۸
- حکایتِ آن شخص که در عهدِ داوود علیه السلام، به روزِ دعا ۳۷۹
- می کرد که مرا روزی حلال ده بی رنج ۳۷۹
- دویدنِ گاو در خانهٔ آن دعاکننده به الحاح، قال النبیّ علیه السلام ۳۸۱
- اِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ الْمُلْحِیْنَ فِی الدُّعَاءِ زَبْرًا عِیْنِ خَوَاسْتِ از حق تعالی ۳۸۱
- الحاحِ خواهنده را به است از آنچه می خواهد آن را ازو ۳۸۱
- عذرِ گفتنیِ نظم کننده و مدد خواستن ۳۸۱
- بیانِ آن که علم را دو پَر است و گمان را یک پَر است، ناقص آمد ۳۸۲
- ظَنُّ به پروازِ اَبتر است، و مَثَالِ ظَنٍّ و یقین در علم ۳۸۲
- مثالِ رنجور شدنِ آدمی بهوهِ تعظیمِ خلق و رغبتِ مشتریان بهوی و حکایتِ مُعَلِّم ۳۸۲
- عقولِ خلق متفاوت است در اصلِ فطرت، و نزدِ معتزله متساوی ۳۸۳
- در وهم افکندنِ کودکانِ استاد را ۳۸۳
- بیمار شدنِ فرعون هم به وهم از تعظیمِ خلقان ۳۸۳
- رنجور شدنِ استاد بهوهِ ۳۸۴
- در جامهٔ خواب افتادنِ استاد از وهم و نالیدنِ او از وهمِ رنجوری ۳۸۴
- دوم بار در وهم افکندنِ کودکانِ استاد را که او را از قرآن خواندن ۳۸۵

- ۳۸۵ خلاص یافتی کودکان از مکتب، بدین مکر
- ۳۸۵ رفتی مادران کودکان، به عیادت اوستا
- ۳۸۶ در بیان آن که تن روح را چون لباسی است و این دست، آستین
- ۳۸۶ دست روح است و این پای، موزه پای روح است
- ۳۸۶ حکایت آن درویش که در کوه، خلوت کرده بود و بیان حلاوت
- ۳۸۶ القطار و خلوت و داخل شدن در این منقبت که انا جلیس
- ۳۸۶ مَنْ ذَکَرْنِی وَ اُنِیسَ مِنْ اِسْتَأْنَسَ بِی
- ۳۸۶ دیدن زرگر عاقبت کار را و سخن بروفق عاقبت گفتن با مُسْتَعِیْر ترازو
- ۳۸۷ بَقِیَّةٔ قَتْلِ اَنْ اَسْأَلُ کَوْهَی کِه نَذَر کرده بود که میوه کوهی از درخت
- ۳۸۷ باز نکنم درخت نفشانم و کسی را نگویم صریح و کنایت که:
- ۳۸۸ مضطر شدن فقیر، بر کرده شدن امروز از درخت، و گوشمال حق رسیدن بی مهلت
- ۳۸۸ متهم کردن آن شیخ، از دانه شدن دستش را
- ۳۸۹ گراماتِ شیخ اقطع و زنیش با فتنه او به ده دست
- ۳۹۰ سبب جرأت ساحران فرعون بر طعنه دست و پا
- ۳۹۱ شکایت آستر پیش شتر که من بسیار در رمی اتم و تو نمی آفتی الا به نادر
- ۳۹۱ اجتماع اجزای خر عَزِیزَ عَلَیْهِ السَّلَام بعد از دیدن پسر الله در
- ۳۹۲ جَزَع ناکردن شیخی بر مرگ فرزندان خویش
- ۳۹۳ عذر گفتن شیخ، بهر ناگریستن بر مرگ فرزندان خود
- ۳۹۴ قصه خواندن شیخ ضریر مصحف را در رو و بینا شدن وقت قیامت
- ۳۹۴ صبر کردن لقمان چون دید که داود علیه السلام حلقه ها می ساخت
- ۳۹۴ از سؤال کردن، با این نیت که صبر از سؤال موجب فرج باشد
- ۳۹۵ بَقِیَّةٔ حکایت نابینا و مُصَحَّف خواندن او
- ۳۹۶ صفت بعضی از اولیا که راضی اند به احکام، و دعا و لایه نکنند که:
- ۳۹۶ سؤال کردن بهلول آن درویش را
- ۳۹۷ قصه دقوقی و گراماتش
- ۳۹۸ بازگشتن به قصه دقوقی
- ۳۹۹ سِرِّ طلب کردن موسی، خضر را علیهما السلام با کمال نبوت و قربت
- ۳۹۹ بازگشتن به قصه دقوقی
- ۳۹۹ نمودن مثال هفت شمع سوی ساحل
- ۴۰۰ شدن آن هفت شمع بر مثال یک شمع
- ۴۰۰ نمودن آن شمعها در نظر هفت مرد

- ۴۰۰ باز شدن آن شمعها هفت درخت.
- ۴۰۰ مخفی بودن آن درختان از چشم خلق.
- ۴۰۲ یک درخت شدن آن هفت درخت.
- ۴۰۲ هفت مرد شدن آن هفت درخت.
- ۴۰۳ پیش رفتن دقّوقی به امامت.
- ۴۰۴ پیش رفتن دقّوقی به امامت آن قوم.
- ۴۰۵ اقتدا کردن قوم، از پس دقّوقی.
- ۴۰۶ بیان امارت سلام سوی دست راست در قیامت از هیبت محاسبه.
- ۴۰۶ حق را نه استعانت و شفاعت خواستن.
- ۴۰۶ شنیدن دقّوقی در میان نماز، افغان آن کشتی که غرق خواست شدن.
- ۴۰۷ تصوّرات مرد حرام.
- ۴۰۷ دعا و شفاعت دقّوقی بر خلاص کشتی.
- ۴۱۰ انکار کردن آن جماعت بر دعا و شفاعت دقّوقی و پیریدن ایشان و.
- ۴۱۰ ناپیدا شدن در پرده غیب سیران پس دقّوقی که بر هوا رفتند.
- ۴۱۱ باز شرح کردن حکایت آن طایف روزی حلال بی کسب و رنج در.
- ۴۱۱ رفتن هردو خصم، نزد داود پیغامبر علیه السلام.
- ۴۱۳ شنیدن داوود علیه السلام سخن هردو خصم را پس آمدن از مدّعی علیه.
- ۴۱۴ حکم کردن داوود علیه السلام بر کشته گاو.
- ۴۱۴ تضرّع آن شخص از داوود علیه السلام.
- ۴۱۵ در خلوت رفتن داوود تا آنچه حق است پیدا شود.
- ۴۱۵ حکم کردن داوود بر صاحب گاو که از سر گاو برخیز و تشنّیع.
- ۴۱۵ صاحب گاو بر داوود علیه السلام.
- ۴۱۵ حکم کردن داوود بر صاحب گاو که جمله مال خود را به وی ده.
- ۴۱۶ عزم کردن داود علیه السلام به خواندن خلق، بدان صحرا که راز.
- ۴۱۶ آشکارا کند و حجت ها همه قطع کند.
- ۴۱۶ گواهی دادن دست و پا و زبان، بر سرّ ظالم هم در دنیا.
- ۴۱۷ برون رفتن خلق، به سوی آن درخت.
- ۴۱۷ قصاص فرمودن داود علیه السلام، خونی را بعد از الزام حجت براو.
- ۴۱۸ بیان آن که نفس آدمی به جای آن خونی است که مدّعی گاو گشته.
- ۴۲۰ گریختن عیسی علیه السلام، فرار کوه از احمقان.
- ۴۲۱ قصّه اهل سبا و حماقت ایشان و اثر ناکردن نصیحت انبیا در احمقان.

- ۴۲۲ شرح آن کور دُوربین و آن کر تیز شنو و آن برهنه دراز دامن
- ۴۲۳ صفت خُرمی شهر اهل سبا و ناشکری ایشان
- ۴۲۴ آمدن پیغامبران از حق به نصیحت اهل سبا
- ۴۲۵ معجزه خواستن قوم، از پیغامبران
- ۴۲۶ متهم داشتن قوم انبیا را
- ۴۲۶ حکایت خرگوشان که خرگوشی را به رسالت پیش پیل فرستادند
- ۴۲۷ جواب گفتن انبیاء، طعن ایشان را و مثل زدن ایشان را
- ۴۲۸ بیان آن که هر کس، انرسد مثل آوردن، خاصه در کار الهی
- ۴۲۸ مثل هارون قوم نوح، به استهزاء در زمان کشتی ساختن
- ۴۲۹ حکایت آن دزد که پرسیدندش که: چه می کنی نیم شب در بُن این دیوار؟
- ۴۲۹ جواب آن مثل که منکران، فساد از رسالت خرگوش، پیغام پیل را از ماه آسمان
- ۴۳۰ معنی خُرم و مثال بر خُرم
- ۴۳۱ و خامت کار آن مرغ که ترک خُرم کرد از حرص و هوی
- ۴۳۲ حکایت نذر کردن سگان، هر رستگان، این تابستان چون بیاید
- ۴۳۲ منع کردن منکران، انبیا علیهم السلام، از سیحان کردن و حجت آوردن جبریه
- ۴۳۲ جواب انبیا علیهم السلام، مر جبریان را
- ۴۳۳ مکرر کردن کافران، حجت های جبریه را
- ۴۳۳ باز جواب انبیا علیهم السلام ایشان را
- ۴۳۴ مکرر کردن قوم، اعتراض ترجمه بر انبیا علیهم السلام
- ۴۳۴ باز جواب انبیا علیهم السلام
- ۴۳۵ حکمت آفریدن دوزخ آن جهان و زندان این جهان تا معبد
- ۴۳۵ متکبران باشد که اَتَبِیَا طَوْعاً اَوْ كَرْهاً
- ۴۳۶ بیان آن که حق تعالی صورت ملوک را سبب مسخر کردن جباران
- ۴۳۶ که مسخر حق نباشند ساخته است چنانکه موسی علیه السلام
- ۴۳۶ باب صغیر ساخت بر رِیض قدس جهت رکوع جباران
- ۴۳۶ بنی اسرائیل، وقت درآمدن که اَدْخُلُوا الْبَابَ سُجَّداً و قُولُوا حِطَّةً
- ۴۳۶ قصه عشق صوفی بر سفره تهی
- ۴۳۷ مخصوص بودن یعقوب علیه السلام به چشیدن جام حق از روی
- ۴۳۷ یوسف و کشیدن بوی حق از بوی یوسف و جرمای برادران و غیرهم از این هر دو
- ۴۳۸ حکایت امیر و غلامش که نماز باره بود و آنس عظیم داشت در نماز و مناجات با حق
- ۴۳۹ نومید شدن انبیا از قبول و پذیرایی منکران قَوْلُهُ حَتَّى اِذَا

- ۴۴۰ بیان آن که رسول علیه السلام فرمود: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَوْلِيَاءُ أَخْفِيَاءَ.
- ۴۴۰ حکایت منديل در تنور پُر آتش انداختن آنس (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ) و ناسوختن
- ۴۴۱ قصه فریاد رسیدن رسول علیه السلام، کاروان عرب را که از
- ۴۴۲ مشک آن غلام از غیب پُر آب کردن به معجزه و آن غلام سیاه را.
- ۴۴۳ دیدن خواجه، غلام خود را سپید و ناشناختن که اوست، و گفتن که:
- ۴۴۴ اغبان و اغراض همه به استدعای حاجت آفرید، خود را محتاج
- ۴۴۴ آمدن آن زن کافر با طفل شیر خواره به نزد دیک مصطفی
- ۴۴۵ ربودن غلام، مدینه مصطفی علیه الصلوة و بُردن بر هوا و نگون
- ۴۴۶ و چه سیرت رفتن از این حکایت، و یقین دانستن که اِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا
- ۴۴۷ وحی آمدن از حق تعالی به موسی که: بیاموزش چیزی که استدعای کند
- ۴۴۸ جواب خروس کرب را
- ۴۴۸ خجل گشتن خروس پیش به سبب دروغ شدن در آن سه وعده
- ۴۴۹ خبر کردن خروس، از مرگ خود
- ۴۵۰ دویدن آن شخص، به سوی موسی رنهار، خون از خروس، خبر مرگ خود شنید
- ۴۵۰ دعا کردن موسی آن شخص را تا بهای آن را در دنیا
- ۴۵۰ اجابت کردن حق تعالی دعای موسی را علیه السلام
- ۴۵۱ حکایت آن زنی که فرزندش نمی زیست، بنابید، جواب آمد که: آن
- ۴۵۲ در آمدن حمزه رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ در جنگ، بی زره
- ۴۵۲ جواب حمزه مر خلق را
- ۴۵۴ حيلة دفع مغبون شدن در بیع و شرا
- ۴۵۵ وفات یافتن بلال رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ با شادی
- ۴۵۶ حکمت ویران شدن تن به مرگ
- ۴۵۶ تشبیه دنیا که به ظاهر فراخ است و به معنی، تنگ و تشبیه خواب که
- ۴۵۷ بیان آن که هر چه غفلت و غم و کاهلی و تاریکی است همه از تن
- ۴۵۷ تشبیه نص با قیاس
- ۴۵۸ آدابُ الْمُسْتَمْعِينَ وَالْمُرِيدِينَ عِنْدَ فَيْضِ الْحِكْمَةِ مِنْ لِسَانِ الشَّيْخِ
- ۴۵۹ شناختن هر حیوانی بوی عدو خود را و حذر کردن، و بطالت و
- ۴۶۰ جمع و توفیق میان نفی و اثبات یک چیز از روی نسبت و اختلاف جهت
- ۴۶۱ مسئله فنا و بقای درویش
- ۴۶۱ قصه وکیل صدر جهان که متهم شد و از بخارا گریخت از بیم جان
- ۴۶۲ پیداشدن روح القدس به صورت آدمی بر مریم، به وقت برهنگی و

- ۴۶۴ گفتنِ روحِ القدّس، مریم را که: من رسولِ حقّ به تو، آشفته مشو و ...
- ۴۶۵ عزم کردن آن وکیل از عشق، که رجوع کند به بخارا لایبالی وار ...
- ۴۶۶ منع کردن دوستان او را از رجوع کردن به بخارا و تهدید کردن و لایبالی گفتن او ...
- ۴۶۶ لایبالی گفتن عاشق، ناصح و عادل را از سر عشق ...
- ۴۶۷ رونهاد آن بنده عاشق سوی بخارا ...
- ۴۶۸ درآمدن آن عاشق لایبالی در بخارا، و تحذیر کردن دوستان، او را از پیدا شدن ...
- ۴۶۸ جواب گفتن عاشق، عادلان را و تهدید کنندگان را ...
- ۴۶۹ رسیدن آن عاشق به معشوق خویش، چون دست از جانِ خود بشست ...
- ۴۷۰ صفت آن مريد که مهمانِ گش بود، و آن عاشقِ مرگِ جویِ لایبالی ...
- ۴۷۰ مهمانِ مَدَن در آن مسجد ...
- ۴۷۰ ملامت کردن اهلِ مسجد آن مهمانِ عاشق را از شبِ خفتن در ...
- ۴۷۱ جواب گفتن عاشقِ مَدَن ...
- ۴۷۱ عشقِ جالینوس برای آن سبزه دایم که نیر او همین جابه کار ...
- ۴۷۲ دیگر باره ملامت کردن اهلِ مسجدِ همان، از شبِ خفتن در آن مسجد ...
- ۴۷۴ گفتنِ شیطان، قریش را که به جنگِ احمد آمدند، من یاری ها کنم و ...
- ۴۷۵ مکرر کردنِ عادلان، پند را بر آن مهمانِ آن مسجدِ همان ...
- ۴۷۶ جواب گفتنِ مهمان، ایشانرا، و مثل آوردن به دفعِ دشمنِ حارس ...
- ۴۷۸ تمثیلِ گریختنِ مؤمن و بی صبری او در بلا به اضطراب و بی قراری ...
- ۴۷۹ تمثیلِ صابر شدنِ مؤمن، چون بر شرّ و خیرِ بلا واقف شود ...
- ۴۸۰ عذر گفتنِ کدبانو با نخود، و حکمت در جوش داشتنِ کدبانو، نخود ...
- ۴۸۱ ذکر خیالِ بد اندیشیدنِ قاصدِ فهمان ...
- ۴۸۱ تفسیرِ این خبرِ مصطفی علیه السلام که لِلْقُرْآنِ ظَهْرٌ وَبَطْنٌ وَ لَبْطُنْه
- ۴۸۲ در بیانِ آن که رفتنِ انبیا و اولیا علیهم السلام به کوه ها و غار ها ...
- ۴۸۲ تشبیه صورتِ اولیا و صورتِ کلامِ اولیا به صورتِ عصای موسی و ...
- ۴۸۲ تفسیرِ یا جَبَلُ أَوْبَى مَعَهُ وَالطَّيْرُ ...
- ۴۸۳ جواب طعنه زننده در مثنوی از قصورِ فهمِ خود ...
- ۴۸۳ مثل زدن در رمیدنِ کرّه اسب از آب خوردن به سببِ شُخولیدنِ ساینسان ...
- ۴۸۴ بقیّه ذکرِ آن مهمانِ مسجدِ مهمانِ گش ...
- ۴۸۵ تفسیرِ آیتِ وَأَجْلِبْ عَلَيْهِم بِخَيْلِكَ وَرَجُلِكَ ...
- ۴۸۶ ملاقاتِ آن عاشق با صدر جهان ...
- ۴۸۸ جذبِ هر عنصری، جنسِ خود را که در ترکیبِ آدمی، مُختَبَس شده است به غیرِ جنس ...

- ۴۸۹ فسحُ غزایم و نقضِ ها، جهتِ باخبر کردنِ آدمی را از آن که مالک و
 ۴۹۰ نظر کردنِ پیغامبر علیه السلام به اسیران و تبسم کردن و گفتن که
 ۴۹۱ سرّ آن که بی مراد بازگشتنِ رسول علیه السلام از حُدیبیه، حق
 ۴۹۲ تفسیر این خبر که مصطفی علیه السلام فرمود: لَا تَقْضُلُونِي عَلَى يُونُسَ بِمِثْنِي
 ۴۹۲ آگاه شدنِ پیغامبر علیه السلام از طعنِ ایشان بر شماتتِ او
 ۴۹۳ بیان آن که طاعی در عینِ قاهری مقهور است، و در عینِ منصوری، مأسور
 ۴۹۵ جذبِ معشوق، عاشق را مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُهُ الْعَاشِقُ وَلَا يَزْجُوهُ وَلَا
 ۴۹۶ امر کردنِ لیمان علیه السلام پشّه متظلّم را، به احضارِ خصمِ به دیوانِ حکم
 ۴۹۷ نواختنِ معشوق، عاشقِ بیهوش را، تا به هوش باز آید
 ۴۹۸ با خویش آمدنِ عاشقِ بیهوش و روی آوردنِ به ثنا و شکرِ معشوق
 ۵۰۰ حکایتِ عاشقی، رازِ هجانی و بسیار امتحانی
 ۵۰۱ یافتنِ عاشق، معشوق را و بیانِ آن که جوینده یابنده بُود که فَمَنْ
- ۵۰۳ دفتر چهارم
 ۵۰۸ تمامی حکایتِ آن عاشق که از غنّسِ گریخت و در باغی مجهول
 ۵۱۰ حکایتِ آن واعظ که هر آغازِ تذکیر، دعایِ آسمان و بختِ دامن و بی اعتقادان کردی
 ۵۱۱ سؤال کردن از عیسی علیه السلام که: در وجودِ ازها صعبها صعبتر چیست؟
 ۵۱۱ قصدِ خیانت کردنِ عاشق و بانگِ بر زدنِ معشوق بر او
 ۵۱۲ قصّه آن صوفی که زینِ خود را با بیگانه بگرفت
 ۵۱۳ معشوق را زیرِ چادرِ پنهان کردن، جهتِ تلبیس و بهانه گفتنِ زن
 ۵۱۴ گفتنِ زن که او در بندِ چهار نیست، مراد او بستر و صلاح است و
 ۵۱۴ غرض از سمیع و بصیر گفتنِ خدا را
 ۵۱۵ مثالِ دنیا چون گولخن و تقوی چون حنّام
 ۵۱۶ قصّه آن دَبّاغ که در بازارِ عطّاران از بویِ عطر و مُشک، بیهوش و رنجور شد
 ۵۱۷ معالجه کردنِ برادرِ دَبّاغ، دَبّاغ را به خُفیه به بویِ سُرگین
 ۵۱۸ عذر خواستنِ آن عاشق از گناهِ خویش به تلبیس و روی پوش، و
 ۵۱۸ فهم کردنِ معشوق آن را نیز
 ۵۱۸ رد کردنِ معشوقه: عذرِ عاشق را، و تلبیسِ او را در روی او مالیدن
 ۵۱۹ گفتنِ آن جهود علی را کَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ که اگر اعتماد داری بر حافظی
 ۵۲۱ قصّه مسجدِ اقصی و خُروب و عزم کردنِ داود علیه السلام پیش از
 ۵۲۳ بقیّه قصّه بنایِ مسجدِ اقصی

- ۵۲۴ قصه آغاز خلافت عثمان رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ و خطبه وی در بیان آنکه:
- ۵۲۵ در بیان آن که حکما گویند: آدمی عالم صغری است و حکمای الهی.
- ۵۲۶ تفسیر این حدیث که مَثَلُ أُمْتِي كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ مَنْ تَمَسَّكَ
- ۵۲۷ قصه هدیه فرستادن بلقیس از شهر سبا، سوی سلیمان علیه السلام
- ۵۲۸ کرامات و نور شیخ عبدالله مغربی قَدْ سَ اللَّهُ سِرَّهُ
- ۵۲۹ بازگردانیدن سلیمان علیه السلام رسولان بلقیس را با آن هدیه ها.
- ۵۲۹ قصه عطاری که سنگ ترازوی او گِل سرشوی بود و دزدیدن
- ۵۳۰ دفع و بست و آزار از دل ایشان، و عذر قبول ناکردن
- ۵۳۱ دین دریش، جماعت مشایخ را در خواب، و درخواست کردن
- ۵۳۲ نیت کردن او که اسیر بدهم بدان هیثم کش، چون من روزی
- ۵۳۳ تحریض سلیمان علیه السلام مر رسولان را بر تعجیل هجرت بلقیس بهر ایمان
- ۵۳۳ سبب هجرت ابراهیم اذنه قدس الله سره و ترک ملک خراسان
- ۵۳۴ حکایت آن مرد تشنه که از ساجوز بن جوز می ریخت در جوی آب
- ۵۳۵ تهدید فرستادن سلیمان علیه السلام به بلقیس که اصرار
- ۵۳۶ پیدا کردن سلیمان علیه السلام که با اخلاص مُرَّاهه جهد است در
- ۵۳۷ باقی قصه ابراهیم ادهم رحمه الله علیها
- ۵۳۷ بقیه قصه اهل سبا و نصیحت و ارشاد سلیمان علیه السلام آل بلقیس را
- ۵۳۸ آزاد شدن بلقیس از ملک و مست شدن او از شوق ایمان و الهیات
- ۵۳۸ همت او از همه ملک منقطع شدن وقت هجرت، الّا از تخت
- ۵۳۹ چاره کردن سلیمان علیه السلام در احضار تخت بلقیس از سبا
- ۵۴۰ قصه یاری خواستن حلیمه از بُتان، چون عقیق فطام، مصطفی راعی اسلام گم کرد
- ۵۴۰ ایشان بر عظمت کار مصطفی صلی الله علیه و سلم
- ۵۴۱ حکایت آن پیر عرب که دلالت کرد حلیمه را به استعانت بُتان
- ۵۴۲ خبر یافتن جد مصطفی عبدالمطلب از گم کردن حلیمه، محمد را
- ۵۴۴ نشان خواستن عبدالمطلب از موضوع محمد علیه السلام که
- ۵۴۵ مَثَل قانع شدن آدمی به دنیا و حرص او در طلب و غفلت او از دولت
- ۵۴۷ بقیه قصه عمارت کردن سلیمان علیه السلام مسجد اقصی را
- ۵۴۸ قصه شاعر و صله دادن شاه و مضاعف کردن آن وزیر بوالحسن نام
- ۵۴۹ باز آمدن آن شاعر بعد چند سال به امید همان صله و هزار دینار
- ۵۵۱ مانستن بدرآی این وزیر دون در افساد مروّت شاه به وزیر
- ۵۵۱ فرعون یعنی هامان در افساد قابلیت فرعون

- ۵۵۲ نشستن دیو بر مقام سلیمان علیه السلام، و تشبیه کردن او به.
- ۵۵۲ کارهای سلیمان علیه السلام، و فرق ظاهر میان هر دو سلیمان، و
- ۵۵۲ دیو خویشتن را سلیمان بن داود نام کردن.
- ۵۵۳ در آمدن سلیمان علیه السلام هر روز در مسجد اقصی بعد از
- ۵۵۴ آموختن پیشه گور کئی، قابیل از زاغ، پیش از آن که در عالم، علم.
- ۵۵۶ قصه صوفی که در میان گلستان، سر بر زانو، مراقب بود یارانش
- ۵۵۶ قصه زین خروپ در گوشه مسجد اقصی و غمگین شدن سلیمان
- ۵۵۸ بیان آنکه چگونه علم و مال و جاه مرید گوهرا را فضیحت
- ۵۶۰ در بیان آن که ترک الجواب جواب مقرر این سخن که جواب
- ۵۶۱ در تفسیر این حدیث مد ظله علیه السلام که: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَ
- ۵۶۲ در تفسیر این آیه که: «فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ رِجْسًا
- ۵۶۳ نوشتن آن غلام قصه شکایت نقصان اجرای سوي پادشاه
- ۵۶۴ حکایت آن فقیه با دستار بر سر و آن که بر خود دستار و بانگ
- ۵۶۶ بیان آن که عارف را غذایی است بر سر حر که آیه عند ربی
- ۵۶۷ تفسیر اَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً مُوسَى قُلْنَا لَا تَكُنْ أَتَىكَ الْكَلْبُ الْاَعْلَى
- ۵۶۸ زجر مدعی از دعوی و امر کردن او را به متابعت
- ۵۶۹ بقیه قصه نوشتن آن غلام رقع به طلب اجرای
- ۵۶۹ حکایت آن مداح که از جهت ناموس شکر ممدوح می کرد و
- ۵۷۱ در یافتن طبیبان الهی امراض دین و دل را در سیمای مرید و
- ۵۷۱ بیگانه و لحن گفتار او و رنگ چشم او بی این همه نیز از راه دل که
- ۵۷۲ مرده دادن ابویزید از زادن ابوالحسن خرقانی قَدْ سَلَّمَ اللَّهُ رُوحَهُمَا
- ۵۷۳ قول رسول صلی الله علیه و سلم: «إِنِّي لَأَجِدُ نَفْسَ الرَّخْمِيِّ مِنْ قَبْلِ
- ۵۷۴ نقصان اجرای جان و دل صوفی از طعام الله
- ۵۷۵ آشفتن آن غلام از نارسیدن جواب رقع از قیل پادشاه
- ۵۷۵ کزوزیدن باد بر سلیمان علیه السلام به سبب زلت او
- ۵۷۶ شنیدن شیخ ابوالحسن خرقانی رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ خبر دادن با یزید
- ۵۷۷ رقع دیگر نوشتن آن غلام، پیش شاه، چون جواب آن رقع اول نیافت
- ۵۷۸ قصه آن که کسی با کسی مشورت می کرد گفتش مشورت با دیگری کن که من عدوی توام
- ۵۷۹ امیر کردن رسول علیه السلام جوان هذلی را بر سربه ای که در آن
- ۵۸۰ اعتراض کردن معترضی بر رسول علیه السلام بر امیر کردن آن هذلی
- ۵۸۲ جواب گفتن مصطفی علیه السلام اعتراض کننده را

- ۵۸۲ قصه شبحانی ما اعظم شأنی گفتن ابویزد قدس الله سره و.....
- ۵۸۴ بیان سبب فصاحت و بسیار گوئی آن فضول به خدمت رسول علیه السلام.....
- ۵۸۵ علامت عاقل تمام و علامت نیم عاقل، و مرد تمام و نیم مرد، و.....
- ۵۸۶ قصه آن آبگیر و صیادان و آن سه ماهی، یکی عاقل و یکی نیم.....
- ۵۸۷ شخصی به وقت استجمامی گفت اَللّٰهُمَّ اُرْخِ رَاِحَةَ الْجَنَّةِ بَهْجَايِ.....
- ۵۸۸ قصه آن مرغ گرفته که وصیت کرد که برگزیده پشیمانی مخور،.....
- ۵۸۹ بیان آن که عهد کردن احمق وقت گرفتاری و ندم هیچ وفایی.....
- ۵۹۰ در بیان آنکه و هم، قلب عقل است و ستیزه اوست، بدو ماند و او.....
- ۵۹۱ بیان آن که مارت در ویرانی است و جمعیت در پراکندگی است و.....
- ۵۹۳ بیان آن که هر حیث را از آدمی نیز مَدَر کائی دیگر است که.....
- ۵۹۵ حمله بردن این جهانیان و جهانیان، و تاختن بردن تاسینور.....
- ۵۹۶ بیان آن که تن خاکی نمی چور آهن نیکو جوهر قابل آینه شدن.....
- ۵۹۶ باز گفتن موسی علیه السلام اسرا فرعون، و واقعات او را.....
- ۵۹۸ شرح کردن موسی علیه السلام اسرا فرعون را جهت پامزد ایمان فرعون.....
- ۵۹۹ غره شدن آدمی به ذکاوت و تصویبات بلیع و استر و طلب.....
- ۶۰۰ بیان این خبر که کَلِمُوا النَّاسَ عَلٰی قَدْرِ عَقُولِهِمْ لَاغْلَ قَدْرَ عَقُولِكُمْ.....
- ۶۰۰ مشورت کردن فرعون با ایسیه در ایمان آوردن به موسی علیه السلام.....
- ۶۰۱ قصه باز پادشاه و کمپیز زن.....
- ۶۰۲ قصه آن زن که طفل او بر سر ناودان غیرید و خطر افتادن بر او از.....
- ۶۰۵ مشورت کردن فرعون با وزیرش هامان در ایمان آوردن به موسی علیه السلام.....
- ۶۰۵ تزییف سخن هامان علیه اللعنه.....
- ۶۰۶ نومید شدن موسی علیه السلام از ایمان فرعون به تأثیر کردن سخن هامان در دل فرعون.....
- ۶۰۷ منازعت امیران عرب با مصطفی علیه السلام که مُلک را مَقَاسَمَت.....
- ۶۰۸ در بیان آن که شناسای قدرت حق نپرسد که: بهشت و دوزخ کجاست؟.....
- ۶۱۰ تفسیر این آیت که وَمَا خَلَقْنَا السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا اِلَّا.....
- ۶۱۱ وحی کردن حق به موسی علیه السلام که ای موسی من که خالقم تعالی تو را دوست.....
- ۶۱۲ خشم کردن پادشاه بر ندیم و شفاعت کردن شفیع آن مغضوب.....
- ۶۱۳ گفتن خلیل مر جبرئیل علیهما السلام، را چون پرسیدش که اَلْک.....
- ۶۱۴ مطالبه کردن موسی علیه السلام، حضرت را که خَلَقْتَ خَلْقًا و.....
- ۶۱۵ بیان آن که روح حیوانی و عقل جزوی و وهم و خیال بر مثال دوغند و.....
- ۶۱۶ مثال دیگر هم در این معنی.....

- حکایت آن پادشاه زاده که پادشاهی حقیقی به‌وی روی نمود، ۶۱۷
- عروس آوردن پادشاه، فرزند خود را از خوف انقطاع نسل ۶۱۸
- اختیار کردن پادشاه دختر درویش زاهدی را از جهت پسر و ۶۱۹
- مستجاب شدن دعای پادشاه در خلاص پسرش از جادوی کابلی ۶۲۰
- در بیان آن که شهزاده آدمی بچه است و خلیفه خداست، پدرش ۶۲۱
- حکایت آن زاهد که در سال قحط، شاد و خندان بود، با مفلسی و ۶۲۳
- بیان آن که مجموع عالم صورت عقل کل است، چون با عقل کل ۶۲۴
- قصه فرزند عزیز علیه السلام که از پدر احوال پدر ۶۲۴
- تفسیر این حدیث که اِنِّی لَاسْتَغْفِرُ اللهَ فِی کُلِّ یَوْمٍ سَبْعَیْنَ مَرَّةً ۶۲۵
- بیان آن که عقل جزئی لایه گویش نبیند، در باقی، مقلد اولیا و انبیاست ۶۲۶
- بیان آن که یا اَیُّ الذِّینَ اَنَّا لَا تَقْدُمُوْا عَلَیْهِ وَ رَسُوْلُهُ ۶۲۷
- قصه شکایت آستر به ستر که من به یار در رو می‌افتم در راه ۶۲۸
- تصدیق کردن آستر، جواب های ستر را و ارار آوردن به‌فرض او ۶۲۹
- لا به کردن قبطی، سبطی را که کسب و خویشتن از نیل پُر ۶۳۰
- درخواستن قبطی، دعای خیر و هدایای سوطی، و دعا کردن ۶۳۲
- حکایت آن زن پلید کار که شوهر را گفت نه ان خیالت از سر ۶۳۴
- اطوار و منازل آدمی از ابتدا ۶۳۷
- بیان آن که خلق دوزخ، گرسنگانند و نالانند به‌حق که رزی های ما ۶۳۸
- رفتن ذوالقرنین به کوه قاف، و درخواست کردن که ای کوه من از ۶۴۰
- نمودن جبرئیل علیه السلام، خود را به مصطفی صلی الله علیه و ۶۴۲

دفتر پنجم ۶۴۷

- تفسیر خُذْ اَرْبَعَةً مِنَ الطَّیْرِ فَصُرْ هُنَّ اَلِیْکَ ۶۵۲
- در سبب ورود این حدیث مصطفی صلوٰت الله علیه که اَلْکَافِرُ یَا کُلَّ ۶۵۳
- در حجره گشادن مصطفی علیه السلام بر مهمان، و خود را ۶۵۴
- سبب رجوع کردن آن مهمان به خانه مصطفی علیه السلام در آن ۶۵۵
- نواختن مصطفی علیه السلام آن عرب مهمان را و تسکین دادن او ۶۵۷
- بیان آن که نماز و روزه و همه چیزهای بیرونی، گواهی هاست بر نور اندرونی ۶۵۷
- پاک کردن آب، همه پلیدی ها را و باز پاک کردن خدای تعالی آب را ۶۵۸
- استعانت آب از حق جَلَّ جَلَّاهُ بعد از تیره شدن ۶۵۸
- گواهی فعل و قول بیرونی بر ضمیر و نور اندرونی ۶۵۹

- ۶۵۹ در بیان آن که نور خود از اندرون شخص منور، بی آن که فعلی و
 ۶۶۰ عرضه کردنِ مُصطفیٰ عَلَیْهِ السَّلام شهادت را بر آن مهمان خویش
 ۶۶۱ بیان آن که نور که غذای جان است غذای جسم اولیا می شود تا او
 ۶۶۲ انکار اهل تن غذای روح را و لرزیدن ایشان بر غذای خسیس
 ۶۶۲ مناجات
 ۶۶۲ تمثیل لوح محفوظ، و ادراک عقل هر کسی از آن لوح، آن که امر و قسمت و مقدر
 ۶۶۳ تمثیل روش های مختلف و همت های گوناگون به اختلاف تحرّی
 ۶۶۴ سبب آن که فرجی نام فرجی نهادند از اول
 ۶۶۵ صفت طوس و طبع او و سبب کشتن ابراهیم علیه السلام، او را
 ۶۶۶ در بیان آن که لطف حق همه کس داند و قهر حق را همه کس
 ۶۶۷ تفاوت عقول در ادب فطرت خلاف معتزله که ایشان گویند در
 ۶۶۷ ریاضت و تجربه
 ۶۶۸ حکایت آن آعرابی که سگ از گرسنگی بمرد و انبان او پرنان
 ۶۶۹ در بیان آن که هیچ چشم بدی آدمی چنان مُملک نیست که چشم
 ۶۷۰ قصّه آن حکیم که دید طاوسی را که پَر بیای خود را می کند
 ۶۷۱ در بیان آن که صفا و سادگی نفس مطمئنّه از سحرته شقیّه
 ۶۷۲ در بیان قول رسول علیه السلام لا رهبانیة فی الاسلام
 ۶۷۳ در تفسیر قول رسول علیه السلام ما مات من مات إلا و انتی اُر
 ۶۷۳ در بیان آن که عقل و روح در آب و گل محبوس اند، همچو ها و ه و روت در چاه بابل
 ۶۷۴ جواب گفتن طوس آن سایل را
 ۶۷۵ بیان آن که هنرها و زیرکی ها و مال دنیا همچون پره های طوس عدو جان است
 ۶۷۷ در بیان آن که ماسوی الله هر چیزی اَکَل و مأکول است، همچون آن
 ۶۷۹ سبب کشتن خلیل علیه السلام زاغ را که آن اشارت به قمع کدام
 ۶۷۹ مناجات
 ۶۸۱ قال النبی علیه السلام اِزْحَمُوا ثَلَاثًا: عزیز قَوْم ذَلَّ و عَنَى قَوْم اِفْتَقَر
 ۶۸۱ قصّه محبوس شدن آن آهو بچه در آخرِ خران، و طعنّه آن خران
 ۶۸۲ حکایت محمّد خوارزمشاه که شهر سبزوار که همه رافضی باشند
 ۶۸۴ بقیّه قصّه آهو و آخرِ خران
 ۶۸۵ تفسیر اِنّی اُرّی سَبْعَ بَقَرَاتٍ سِیمَانٍ یَا کُلْهِنَّ سَبْعَ عِجَافٍ، آن گاو
 ۶۸۵ بیان آن که کشتن خلیل علیه السلام خروس را، اشارت به قمع و
 ۶۸۶ تفسیر وَ مَنْ نَعْمَرُهُ نَتَكَسَّهُ فِی الْخَلْقِ

- تفسیرِ اَسْفَلَ سَافِلِینَ إِلَّا الَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ ۶۸۷
- در تفسیر قول مصطفی علیه السلام: لَا بُدَّ مِنْ قَرینِ یُذَفِّرُ مَعَكَ وَ ۶۸۹
- در تفسیر قول مصطفی علیه السلام: مَنْ جَعَلَ الْهُمُومَ هَمًّا وَاحِدًا ۶۹۱
- قصه آن شخص که دعوی پیغامبری می کرد، گفتندش: چه ۶۹۲
- سبب عداوت عام و بیگانه زیستن ایشان به اولیای خدا که به ۶۹۳
- در بیان آن که مرد بدکار چون متمکن شود در بدکاری، و اثر دولت ۶۹۴
- مناجات ۶۹۵
- پرسیدر پادشاه از آن مدعی نبوت که آن که رسول راستین باشد ۶۹۶
- داستان از عشق که با معشوق خود برمی شمرد خدمت ها و ۶۹۷
- یکی پرسید از عالم عارفی که اگر در نماز کسی بگرید به آواز و آه ۶۹۸
- میریدی درآمد، خدمت هیچ و از این شیخ پیر سن نمی خواهم ۶۹۸
- داستان آن کنیز که با خدای سرش شهوت می راند، و او را چون نر ۷۰۱
- تمثیل تلقین شیخ، مریدان را بیعامانست را که ایشان طاقت ۷۰۴
- صاحب دلی دید سگی حامه، در شکم آن سگ بچگان بانگ ۷۰۵
- قصه اهل ضرّوان و حسد ایشان بر در بشار که در ماز سلیمی ۷۰۶
- بیان آن که عطای حق و قدرت، موقوف تالیف نیست، هر چون داد ۷۰۹
- در ابتدای خلقت جسم آدم علیه السلام که جبرئیل علیه السلام ۷۰۹
- فرستادن میکائیل را علیه السلام به قبض خفنه خاک از زمین ۷۱۰
- قصه قوم یونس علیه السلام بیان و برهان آن است که تضرع ۷۱۱
- فرستادن اسرافیل را علیه السلام به خاک که: خفنه ای بر گیر از ۷۱۲
- فرستادن عزرائیل، ملّک العزّم و الخزّم را علیه السلام به بر گرفتن ۷۱۳
- بیان آن که مخلوقی که تو را از او ظلمی رسد، به حقیقت او همچون ۷۱۴
- جواب آمدن که آن که نظر او بر اسباب و مرض و زخم نیاید، ۷۱۵
- در بیان وخامت چرب و شیرین دنیا و مانع شدن او از طعام الله ۷۱۶
- جواب آن مُعْغَل که گفته است که: خوش بودی این جهان اگر مرگ ۷۱۷
- فَیْمَا یُرْجَى مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ تَعَالَى مُطْطَى النَّعْمِ قَبْلَ اسْتِخْفَاقِهَا وَ ۷۱۸
- هُوَ الَّذِی نَزَلَ الْغَیْثَ مِنْ بَعْدِ مَا قَنَطُوا، وَ رَبُّ یُعْدُ یُورِثُ قُرْبًا، وَ رَبُّ ۷۱۸
- قصه ایاز و حجره داشتن او جهت چارّ و پوستین و گمان آمدن ۷۲۱
- بیان آن که آن چه بیان کرده می شود صورت قصه است و آن که آن ۷۲۲
- حکمت نظر کردن در چارّ و پوستین که فَلَیَنْظُرَ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ ۷۲۳
- در معنی این که اَرْنَا الْأَشْیَاءَ کَمَا هِیَ، و معنی این که لَوْ کَشَفَ الْغَطَاءَ مَا زِدَدْتُ یَقِینًا ۷۲۵

- بیان اتحاد عاشق و معشوق از روی حقیقت، اگرچه متضادند از ۷۲۶
- معشوقی از عاشق پرسید که خود را دوست‌تر داری یا مرا؟ گفت: ۷۲۷
- آمدن آن امیرِ نَمّام با سرهنگان، نیم‌شب به گشادنِ آن حُجره ۷۲۸
- بازگشتن نَمّامان از حُجرهٔ ایاز به‌سوی شاه، توبره تهی و خجل ۷۲۹
- حواله کردن پادشاه قبول توبهٔ نَمّامان و حُجره گشایان، و سزا ۷۳۰
- فرمودن شاه ایاز را که اختیار کن از عفو و مکافات که از عدل و ۷۳۱
- آنکس که کراحت می‌دارد قصاص را در این یک حیات قاتل نظر ۷۳۱
- تعجیل فریدن پادشاه، ایاز را که زود این حکم را به‌فیصل رسان ۷۳۲
- حکایت در تکریر این سخن که: چندین گاه گفت و گویا از مودیم، ۷۳۲
- در بیان کسی که سخن گوید که حال او مناسب آن سخن و آن ۷۳۳
- حکایت در بیان به نصوح به چنانکه شیر از پستان بیرون آید، ۷۳۵
- نبرد عشق را جز عشقِ دیگر ایاز، نگیری زو نکوتر ۷۳۵
- در بیان آن که دعای عارف اصل در خفاست و از حق همچو ۷۳۶
- نوبت جستن رسیدن به‌نصوح و آمدن کسب به راه را جُستیم، ۷۳۷
- یافته شدن گوهر و حلّالی خواستن حُجیان را که بزرگان شاهزاده از نصوح ۷۳۸
- باز خواندن شه‌زاده نصوح را از بهر دلّاتی، بعد از استیلا رُبه و ۷۳۹
- حکایت در بیان آن که کسی توبه کند و پشیمان شود و باز آن ۷۳۹
- تشبیه کردن قطب که عارف واصل است در اجرای داد خلق ۷۴۰
- حکایت دیدن خر هیزم‌فروش با نوایی اسبان تازی بر آخر خر ۷۴۱
- جواب گفتن خر، روباه را ۷۴۲
- جواب گفتن روباه، خر را ۷۴۲
- جواب گفتن خر، روباه را ۷۴۲
- در تکریر معنی توکل، حکایت آن زاهد که توکل را امتحان می‌کرد ۷۴۲
- جواب دادن روباه، خر را و تحریض کردن او، خر را بر کسب ۷۴۳
- جواب گفتن خر روباه را که توکل بهترین کسب‌هاست که هر کسی ۷۴۳
- مثل آوردن اشتر در بیان آن که در مخبر دولتی فز و اثر آن چون ۷۴۴
- فرق میان دعوت شیخ کامل واصل و میان سخن ناقصان فاضل فضل تحصیلی بر بسته ۷۴۶
- حکایت آن مخنث و پرسیدن لوطی از او در حالت لواط که این ۷۴۶
- غالب شدن حیلۀ روباه بر استعصام و تعفف خر و کشیدن روبه خر را سوی شیر به‌پیشه ۷۴۷
- رخ‌ها زرد چون زعفران لب‌ها کبود چون نیل، دست لِرزان چون ۷۴۸
- بردن روباه، آن خر را پیش شیر و جستن خر، از شیر و عتاب ۷۴۹

- ۷۴۹ کردن روباه با شیر که هنوز خر دور بود تعجیل کردی، و عذر گفتن
- ۷۴۹ شیر و لایه کردن روبه را شیر که برو بار دیگرش بفریب
- ۷۵۰ در بیان آن که نقض عهد و توبه موجب بلا بُود، بلکه موجب مسخ
- ۷۵۱ جواب گفتن خر روباه، خر را
- ۷۵۲ جواب گفتن روباه، خر را
- ۷۵۳ حکایت شیخ محمد سرزری غزنوی قَدَسَ اللّٰهُ سِرَّهُ
- ۷۵۴ آمدن شیخ بعد از چندین سال از بیابان به شهر غزنین و زنبیل
- ۷۵۵ در معنی لَوْلَاکَ لِمَا خَلَقْتُ الْأَفْلَاکَ
- ۷۵۶ رفتن از شیخ در خانه امیری بهر گدیه، روزی چهار بار با زنبیل به اشارت غیب، و
- ۷۵۷ گریل شدن امیر از نصیحت شیخ و عکس صدق او و ایثار کردن
- ۷۵۸ اشارت آمدن امیر غیب با شیخ که این دو سال به فرمان ما بستدی و
- ۷۵۸ دانستن شیخ، و سائر دانستن گفتن، و دانستن قدر و ام
- ۷۵۸ وامداران بی گفتن که من از باسد که أُخْرِجُ بِصِفَاتِي إِلَى خَلْقِي
- ۷۵۹ سبب دانستن ضمیرهای سبق
- ۷۵۹ غالب شدن مکر روبه بر استعصام خر
- ۷۶۰ در بیان فضیلتِ احتما و جوع
- ۷۶۰ حکایت مریدی که شیخ از حرص و ضمیر او واقف شد او را
- ۷۶۱ حکایت آن گاو که تنها در جزیره‌ای است بزرگ، حَقَّ تَعَالَىٰ اَنْ
- ۷۶۲ صید کردن شیر آن خر را و تشنه شدن شیر از کوشش، رفتن
- ۷۶۲ حکایت آن راهب که روز با چراغ می گشت در میان بازار از سُرِّی که را بود
- ۷۶۳ دعوت کردن مسلمان، مَغ را
- ۷۶۴ مَثَل شیطان بر در رحمان
- ۷۶۵ جواب گفتن مؤمن سَنَی، کافر جبری را و در اثبات اختیار بنده دلیل
- ۷۶۷ درک و جدانی چون اختیار و اضطراب و خشم و اضطراب و سیری و
- ۷۶۹ حکایت هم در بیان تقریر اختیار خلق و بیان آن که تقدیر و قضا
- ۷۶۹ حکایت هم در جواب جبری و اثبات اختیار و صَحَّتِ امر و نهی و
- ۷۷۱ معنی ماشاءَ الله کَانَ یعنی خواست، خواست او و رضا، رضای
- ۷۷۳ حکایت آن درویش که در هرّی غلامان آراسته عمید خراسان را
- ۷۷۴ باز جواب گفتن آن کافر جبری آن سَنَی را که به اسلامش دعوت
- ۷۷۶ پرسیدن پادشاه قاصداً باز را که چندین غم و شادی با چارق و
- ۷۷۷ گفتن خویشاوندان مجنون را که حَسَنِ لیلی به اندازهای است

- ۷۷۸ حکایت جوحی که چادر پوشید و در وعظ میان زنان نشست و
- ۷۷۹ فرمودن شاه به ایاز بار دگر که شرح چارق و پوستین آشکارا بگو.
- ۷۸۰ حکایت کافری که گفتندش در عهد ایازید که مسلمان شو و جواب گفتن او، ایشان را
- ۷۸۰ حکایت آن مؤذن زشت آواز که در کافرستان بانگ نماز داد و مرد
- ۷۸۲ حکایت آن زن که گفت شوهر را که گوشت را گربه خورد شوهر
- ۷۸۳ حکایت آن امیر که غلام را گفت که می بیار غلام رفت و سبوی می
- ۷۸۴ حکایت ضیاء دلّی که سخت دراز بود و برادرش شیخ اسلام تاج
- ۷۸۵ رفتن امیر خشم آلود برای گوشمال زاهد
- ۷۸۵ حکایت کهن دلّک، سید شاه ترمذ را
- ۷۸۶ انداختن عطفی علیه السلام، خود را از کوه جری از وحشت دیر
- ۷۸۷ جواب گفتن امیر ران شمشیر را و همسایگان زاهد را که
- ۷۸۹ تفسیر این آیت که لَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ لَهُمُ الْخِيَالُ تُكَانُوا يَعْلَمُونَ
- ۷۹۰ دگر بار استدعای شاه از پیر به نابل کار خود بگو، و مشکل
- ۷۹۱ تمثیل تن آدمی به مهمان خدایانند، های مختلف به مهمانان
- ۷۹۱ حکایت آن مهمان که زن خداوند خانه گفت که با آن فرو گرفت و
- ۷۹۲ تمثیل فکر هر روزینه که اندر دل آید، به پهلوان تو که
- ۷۹۳ نواختن سلطان، ایاز را
- ۷۹۳ وصیت کردن پدر، دختر را که خود را نگهدار تا حامله نشوی از ثروت
- ۷۹۴ وصف ضعیف دلی و سستی صوفی سایه پرورد مجاهده ناک
- ۷۹۶ نصیحت مبارزان، او را که با این دل و زهره که تو داری که از
- ۷۹۶ حکایت عیاضی رحمه الله که هفتاد غزو کرده بود سینه برهنه و
- ۷۹۸ حکایت آن مجاهد که از همیان سیم هر روز یک درم در خندق
- ۸۰۱ پشیمان شدن آن سر لشکر از جنایت که کرد و سوگند دادن او آن
- ۸۰۲ حجت منکران آخرت، و بیان ضعف آن حجت، زیرا حجت ایشان
- ۸۰۳ فاش کردن آن کنیزک آن راز را با خلیفه از بیم زخم شمشیر و
- ۸۰۴ عزم کردن شاه چون واقف شد بر آن خیانت، که بپوشاند و عفو کند
- ۸۰۵ بیان آن که نَحْنُ قَسَمْنَا که یکی را شهوت و قوت خران دهد و یکی
- ۸۰۶ دادن شاه گوهر را میان دیوان و مجمع به دست وزیر که این چند
- ۸۰۷ رسیدن گوهر از دست به دست آخر دور به ایاز و کیاست ایاز و
- ۸۰۸ تشنّیع زدن اُمرا بر ایاز که چرا شکستن؟ و جواب دادن ایاز ایشان را
- ۸۱۰ مجرم دانستن ایاز خود را در این شفاعت گری و عذر این جرم

- دَفتَرِ ششم ۸۱۵
- سؤال سایل از مرغی که بر سر رَیضِ شهری نشسته باشد، سر او ۸۲۳
- نکو هیدن ناموس های پوسیده را که مانع ذوق ایمان و دلیل ضعف ۸۲۵
- مناجات و پناه جستن به حق از فتنه اختیار و از فتنه اسباب، اختیار، ۸۲۶
- حکایت غلام هندو که به خداوند زاده خود پنهان هوا آورده بود، ۸۲۸
- صبر فرمودن خواجه مادر دختر را که غلام را زجر مکن، من او را ۸۲۹
- در بیان آن که این غرور، تنها آن هندو را نبود، بلکه هر آدمی به ۸۳۰
- در عموم تأویل این آیت که کُلُّمَّا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ ۸۳۱
- و انممن پادشاه به امرا و متعصبان در راه آياز سبب فضیلت و ۸۳۲
- مرافعه آنرا آن حجت را به شبهه جبريانه، و جواب دادن شاه ایشان را ۸۳۳
- حکایت آن صیقلی که در حسن در گیاه پیچیده بود و دسته گل و ۸۳۴
- حکایت آن شخص که در دانه خرما او را بدزدیدند، و بر آن قناعت ۸۳۶
- مناظره مرغ با صیاد در هفت در معنی ترهشی که مصطفی ۸۳۶
- حکایت آن پاسبان که خاموس ماند در دانه، رخت تاجران ۸۳۸
- حواله کردن مرغ، گرفتاری خود را در دام هفت و مکر و زرق ۸۳۹
- حکایت آن عاشق که شب بیامد بر امیر و معشوق، بد آن وثاقي ۸۴۰
- استدعاء امیر ترک مخمور مطرب را به وقت سبوح، مسیر این ۸۴۲
- در آمدن ضریر در خانه مصطفی علیه السلام و گریختن عایشه ۸۴۳
- امتحان کردن مصطفی علیه السلام عایشه رضی الله عنها که به ۸۴۴
- حکایت آن مطرب که در بزم امیر ترک این غزل آغاز کرد ۸۴۴
- تفسیر قَوْلُهُ عَلَيْهِ السَّلَام: مَوْتُوا قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا ۸۴۵
- تشبیه مُعْقَلِي که عمر ضایع کند، و وقت مرگ در آن تنگاتنگ، توبه ۸۴۷
- نکته گفتن آن شاعر جهت طعن شیعه حَلَب ۸۴۸
- تمثیل مرد حریص نابیننده، رزاقی حق را و خزاین رحمت او را ۸۴۸
- داستان آن شخص که بر در سرای نیم شب سحوری می زد ۸۵۰
- قصة أخذ أخذ گفتن بلال در خرّ حجاز از محبت مصطفی ۸۵۱
- بازگرداندن صدیق (رضی الله عنه) واقعه بلال را رضی الله عنه و ۸۵۴
- وصیت کردن مصطفی علیه السلام صدیق (رضی الله عنه) را که ۸۵۵
- خندیدن جهود و پنداشتن که صدیق مغبون است در این عقد ۸۵۶
- مُعَاتَبَةُ مصطفی علیه السلام با صدیق (رضی الله عنه) که تو را ۸۵۸
- قصة هلال که بنده مخلص بود خدای را، صاحب بصیرت، بی تقلید، ۸۵۹

- ۸۶۰ حکایت در تقریر همین سخن
- ۸۶۱ رنجور شدن این هلال و بی خبریِ خواجهٔ او از رنجوری او، از.....
- ۸۶۲ درآمدن مصطفی علیه السلام از بهر عبادتِ هلال در ستور گاه آن.....
- ۸۶۳ داستان آن عجوزه که روی زشت خویش را جُندره و گلگونه.....
- ۸۶۴ داستان آن درویش که آن گیلانی را دعا کرد که خدا تو را به.....
- ۸۶۵ قصهٔ درویش که از آن خانه هر چه می خواست، می گفت: نیست.....
- ۸۶۵ رجوع به داستان آن کُنپیر.....
- ۸۶۶ حکایت آن رنجور که طبیب در او امیدِ صحت ندید.....
- ۸۶۷ رجوع به قصهٔ رنجور.....
- ۸۶۹ قصهٔ سلطان محمود و غلام هندو.....
- ۸۷۱ لَيْسَ لِلْمَاضِيْنَ، هُمْ مُمَوْتٌ، مَا لَهُمْ حَسْرَةُ الْفَوْتِ.....
- ۸۷۲ بار دیگر رجوع کردن به قصهٔ صوفی و قاضی.....
- ۸۷۵ طیره شدن قاضی از سیلی رویه و رزنش کردن صوفی قاضی را.....
- ۸۷۶ جواب دادن قاضی، صوفی را.....
- ۸۷۷ سؤال کردن آن صوفی قاضی را.....
- ۸۷۷ جواب گفتن آن قاضی، صوفی را.....
- ۸۷۸ باز سؤال کردن صوفی، از آن قاضی.....
- ۸۷۸ جواب قاضی، سؤال صوفی را و قصهٔ تُرک و دزدی را مثل آوردن.....
- ۸۷۹ دعوی کردن تُرک و گرو بستن او که: درزی از من چیزی نتواند بدین.....
- ۸۸۰ مضاحک گفتن درزی و تُرک را از قوت خنده بسته شدن دو چشم و روست.....
- ۸۸۱ گفتن درزی، تُرک را: هَی خاموش، که اگر مضاحک دیگر گویم قبات تنگ بد.....
- ۸۸۱ بیان آن که بی کاران و افسانه جویان مثل آن تُرک اند و عالم غزّار.....
- ۸۸۲ باز مکرر کردن صوفی، سؤال را.....
- ۸۸۲ جواب دادن قاضی صوفی را.....
- ۸۸۲ حکایت در تقریر آن که صبر در رنج کار سهل تر از صبر در فراق یار بود.....
- ۸۸۵ باقی قصهٔ فقیر روزی طلب، بی واسطه کسب.....
- ۸۸۷ قصهٔ آن گنج نامه که پهلوی قبه ای روی به قبله کن و تیر در کمان نه.....
- ۸۸۹ تمامی قصهٔ آن فقیر و نشان جای آن گنج.....
- ۸۸۹ فاش شدن خبر این گنج و رسیدن به گوش پادشاه.....
- ۸۸۹ نومید شدن آن پادشاه از یافتن آن گنج و ملول شدن او از طلب آن.....
- ۸۹۰ باز دادن پادشاه، گنج نامه را به آن فقیر که بگیر، ما از سر این برخاستیم.....

- ۸۹۲ حکایت مرید شیخ حسن خرقانی (قَدَسَ اللّٰهُ سِرَّهُ).....
- ۸۹۳ پرسیدن آن وارد از خرم شیخ که شیخ کجاست؟ کجا جویم؟ و جواب نافر جام گفتن خرم.....
- ۸۹۳ جواب گفتن مرید و زجر کردن مرید آن طعنه را از کفر و بیهوده گفتن.....
- ۸۹۵ واگشتن مرید از وفاق شیخ و پرسیدن از مردم و نشان دادن.....
- ۸۹۶ حکمت در آتی جاعل فی الارض خلیفه.....
- ۸۹۷ معجزه هود علیه السلام در تخلص مؤمنان امت به وقت نزول باد.....
- ۹۰۰ رجوع کردن به قصه قبه و گنج.....
- ۹۰۱ انابت آن طالب گنج به حق تعالی بعد از طلب بسیار و عجز و.....
- ۹۰۳ آواز دادن هات مر طالب گنج را، و اعلام کردن از حقیقت اسرار آن.....
- ۹۰۴ انابت آن سه مسافر مسلمان و ترسا و جهود که به منزل قوتی.....
- ۹۰۶ حکایت اشتر و گاو رنج که در راه بند گیاه یافتند، هر یکی می گفت: من خورم.....
- ۹۰۷ جواب گفتن مسلمان به دید، به یارانش جهود و ترسا، و حسرت خوردن ایشان.....
- ۹۰۸ منادی کردن سه ملک مدد هر که در سه یا چهار روز به.....
- ۹۱۲ حکایت تعلق موش با چغز و بستن در و هردو به رشته دراز و.....
- ۹۱۴ تدبیر کردن موش به چغز که می تواند بر تو آمدن به وقت.....
- ۹۱۴ مبالغه کردن موش در لابه و زاری و طلب کردن از چغز آبی.....
- ۹۱۶ لابه کردن موش مر چغز را که بهانه میندیش و دست مینداز.....
- ۹۱۹ حکایت شب دزدان که سلطان محمود، شش در میان ایشان.....
- ۹۲۳ قصه آن که گاو بحری گوهر کاویان از قعر دریا بر آورد شب.....
- ۹۲۴ رجوع کردن به قصه طلب کردن آن موش، آن چغز را در لب لب.....
- ۹۲۵ قصه عبید العوث و ربودن پریان او را و سال ها میان پریان ساکن.....
- ۹۲۶ داستان آن مرد که وظیفه ای داشت از محتسب تبریز و وام ها کرده.....
- ۹۲۷ آمدن جعفر رضی الله عنه به گرفتن قلعه ای به تنهایی و مشورت.....
- ۹۳۰ رجوع کردن به حکایت آن شخص وام کرده و آمدن او به امید.....
- ۹۳۴ مثلی دو بین، همچو آن غریب شهر کاش، عمر نام که از یک.....
- ۹۳۵ توزیع کردن پائی مرد در جمله شهر تبریز، و جمع شدن اندک چیز،.....
- ۹۳۸ چستی آن اسپ و سرد کردن عماد الملک آن اسپ را در دل شاه و.....
- ۹۴۰ مواخذة یوسف صدیق صلوات الله علیه به حبس بضع سنین به.....
- ۹۴۴ رجوع کردن به قصه آن پائی مرد و آن غریب وام دار، و باز گشتن.....
- ۹۴۵ گفتن خواجه در خواب به آن پائی مرد، وجوه وام آن دوست را که.....
- ۹۴۶ حکایت آن پادشاه و وصیت کردن او سه پسر خویش را که در این.....

- ۹۴۷ بیان استمداد عارف از سرچشمه حیات ابدی و مستغنی شدن او
- ۹۴۸ روان شدن شهزادگان در ممالک پدر بعد از وداع کردن ایشان
- ۹۵۱ رفتن پسران سلطان به حکم آن که الإنسان خریص علی ما منع،
- ۹۵۳ دیدن ایشان در قصر این قلعه ذات الصور نقش روی دختر شاه
- ۹۵۴ حکایت صدر جهان بخارا که هر سائلی که به زبان بخواستی از
- ۹۵۶ حکایت آن دو برادر یکی کوسه و یکی امرد، در غرب خانه‌ای
- ۹۵۷ در تفسیر این خبر که مصطفی صلوات الله علیه فرمود: منهومان لا
- ۹۵۸ بحث کردن آن سه شهزاده در تدبیر آن واقعه
- ۹۵۸ مخالفت بزرگین
- ۹۵۹ ذکر آن پادشاه که آن دانشمند را به اکراه در مجلس آورد و بنشانند
- ۹۶۱ روان گشتن شهزادگان بعد از تمام بحث و ماجرا، به جانب ولایت
- ۹۶۱ حکایت امیره القیس که پادشاه می‌بود و به صورت عظیم
- ۹۶۴ بعد مکتب ایشان متواری شد و بلاد حین در شهر تخت‌گاه، و بعد
- ۹۶۸ بیان مجاهد که دست از مجاهد باز نداشت، اگر چه داند تسطیت
- ۹۷۰ حکایت آن شخص که خواب دید که آنچه می‌طلب از پسر، به
- ۹۷۰ سبب تاخیر اجابت دعای مؤمن
- ۹۷۱ رجوع کردن به قصه آن شخص که به او گنج نشان داد مصر و
- ۹۷۲ رسیدن آن شخص به مصر و شب بیرون آمدن به کوی از بهر
- ۹۷۵ بازگشتن آن شخص، شادمان و مراد یافته و خدای را شکر گوید
- ۹۷۶ مکرر کردن برادران، پند دادن بزرگین را و تاب نآوردن او پند را و
- ۹۷۹ مفتون شدن قاضی برزن جوحی، و در صندوق ماندن و نایب
- ۹۸۰ رفتن قاضی به خانه زن جوحی و حلقه زدن جوحی به خشم برادر و
- ۹۸۱ آمدن نایب قاضی میان بازار و خریداری کردن صندوق را از جوحی الی آخره
- ۹۸۲ در تفسیر این خبر که مصطفی صلوات الله علیه فرمود: من کُنت
- ۹۸۲ باز آمدن زن جوحی به محکمه قاضی، سال دوم، برامید وظیفه
- ۹۸۴ باز آمدن به شرح قصه شاهزاده و ملازمت او در حضرت شاه
- ۹۸۵ متوقی شدن بزرگین از شهزادگان و آمدن برادر میانین به جنازه
- ۹۹۰ و سوسه‌ای که پادشاه زاده را پیدا شد، از سبب استغنائی و کشفی
- ۹۹۱ خطاب حق به عزرائیل که ترا رحم بر که بیشتر آمد، از این خلایق
- ۹۹۲ کرامات شیخ شیبیان راعی و قدس الله روحه الغریز
- ۹۹۳ رجوع کردن بدان قصه که شاهزاده زخم خورد از خاطر شاه، پیش

۹۹۴ وصیت کردن آن شخص که بعد از من او برد مال مرا از سه فرزند من که کاهل تر است

۹۹۷ کشف الایات

۱۳۱۵ واژه نامه

www.ketab.ir